



عقل، محبت را می شناسد/ پیشرفت علم در گرو نقادی است

ابراهیمی دینانی در برنامه معرفت گفت: در عقل، عشق هم هست. اگر محبت باشد ولی عقل و خردی نباشد که آن محبت را نفهمد، به درد نمی خورد. عقل محبت را می شناسد.

ابراهیمی دینانی در برنامه معرفت گفت: در عقل، عشق هم هست. اگر محبت باشد ولی عقل و خردی نباشد که آن محبت را نفهمد، به درد نمی خورد. عقل محبت را می شناسد.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت که از شبکه چهارم سیما پخش می شود، در تفسیر اشعاری از وحشی بافقی اظهار داشت: عاشق، معشوق را زیبا می بیند. مسئله مهمی که در طول تاریخ بشر بین بزرگان مطرح بوده است، نزاع بین عقل و عشق است.

وی گفت: یک فیلسوف می گوید با عشق، نگاه کن تا نجات پیدا کنی. فیلسوف دیگری می گوید با عقل نگاه کن و با پای عقل و خرد قدم بردار تا به حقیقت برسی. اما فیلسوف سومی هم می گوید با عقل حرکت کن تا هم به حقیقت برسی و هم نجات پیدا کنی.

ابراهیمی دینانی اظهارداشت: اگر با عقل درست رفتی به عشق هم میرسی. در عقل، عشق هم هست. اگر محبت باشد ولی عقل و خردی نباشد که آن محبت را نفهمد، به درد نمی خورد. عقل محبت را می شناسد. اگر با پای عقل خردمندانه و منطقی پیش بروی، شما را هم به حقیقت می رساند و هم به عشق.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران گفت: تنها چیزی که در جهان هستی تفسیر برمیدارد و بیش از هر چیزی آن را تفسیر می کنند، سخن انسان است. یک انسانی در ۲ هزار سال پیش سخنی گفته است که چندین تفسیر برای آن نوشته شده است. حالا چرا سخن انسان این اندازه قابل تفسیر است؟ انسان هرچه فرهیخته تر و عاقل تر باشد، سخن او بیشتر تفسیر می شود. وقتی سخن انسان تفسیرپذیر می شود حالا سخن حق تعالی تفسیر پذیر نیست؟

چهره ماندگار فلسفه افزود: حالا چرا انسان سخنش تفسیر پذیر است و چرا انسان مفسر است؟ شما هر آنچه با چشم می بینی یک معنی دارد که آن معنی را با چشم نمی توان دید. هر آنچه دیده شدنی است، در درونش چیزی دارد که دیده نمی شود. در نتیجه این معنی، راه تفسیر باز می شود. انسان موجودی است که با تقابل ها درگیر است و از این تقابل ها تطابق ها می سازد. چون خودش دچار این تقابل ها است.

ابراهیمی دینانی گفت: انسان بدن است یا روح است؟ یا هم روح است هم بدن؟ بعضی ها معتقدند که انسان فقط بدن است. بعضی ها می گویند فقط روح است. اما ما می گوئیم بدن و روح با هم هستند. با هم وحدت پیدا می کنند. انسان حس دارد، عقل هم دارد. انسان بین محسوس و معقول است. ما هم محسوسات را می یابیم هم با معقولات سروکار داریم. از محسوس به معقول رفتن تعالی است، از معقول به محسوس آمدن تنزل است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران افزود: علما درباره مطلق و مقید خیلی بحث کرده اند. مطلق، دانسته نادانسته است. به مجرد اینکه مطلق را درک کنیم، مقید می شود. می دانیم که هست ولی همینکه می خواهیم درکش کنیم، می گریزد. مطلق، چهره خودش را در پرده مقید می بیند.

وی ادامه داد: امروزه حس عیب جویی در انسان بیشتر شده است. انسان اگر دید مطلق بین داشته باشد، کمتر عیب می بیند. هرچه به مطلق نزدیک شویم، عیب کمتری می بینیم. هرچه از مطلق تنزل کنیم، قیود بیشتر می شود. در دنیای امروز کثرت بیشتر آشکار شده است. دنیا، دنیای کثرت است. کثرت اطلاعات، کثرت تجملات و خیلی چیزها. هر کدامشان انواع گوناگون دارند.

ابراهیمی دینانی افزود: عیب جویی بد است، اما انتقاد با عیب جویی فرق دارد. انتقاد یعنی با زبان خوب و دلسوزانه از روی خرد و آگاهی اگر در کار کسی و عملی و نوشته ای عیبی دیدیم، می توانیم انتقاد کنیم. اگر یک جامعه ای حس انتقادی نداشته باشد و زبان انتقاد در آن جامعه نباشد، آن جامعه، جامعه منجمدی می شود. پیشرفت علوم در گروهی

نقادی و انتقاد است. به ویژه در فلسفه که کارش نقادی است. ما متأسفانه میان انتقاد درست و عیب جویی تفاوت قائل نیستیم که این خودش یک خرد می خواهد. خردی که تقابل ها را می فهمد و از تقابل ها به تفاهم و تطابق می رسد.

چهره ماندگار فلسفه گفت: انسان امور را به اندازه ذهن خودش می فهمد. شما هر ذهنی که داشته باشی و در هر مرحله ای از ادراک باشی، جهان را همانگونه می بینی. انسان جهان را در آینه ادراک خود می بیند. انسان باید بداند که او به اندازه ذهن خودش می فهمد. پس هرگونه حکم و داوری اش به اندازه فهم او است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران در خاتمه بیان داشت: پس باید به اندازه میزان فهم خودمان حرف بزنیم. اگر مردم این نکته را رعایت کنند، عیب جویی کمتر می شود. انسان هم باید حس انتقادی داشته باشد و هم انتقاد پذیر باشد. ما باید اول قبل از انتقاد دیگران، خودمان انتقادپذیر باشیم.